

تقسیم جنینی و شبیه سازی

حسن جواهری

چکیده

وقوع پدیده شبیه سازی در سال ۱۹۹۷م چالشی جدید فراروی علمای همه ادیان نهاد تا حکم دین درباره اقدام به این عمل و آثار مترتب بر آن را بیان نمایند.

مقاله حاضر ابتدا به بررسی حکم تکلیفی شبیه سازی یا مشروعیت و عدم مشروعیت آن و پس از آن به حکم وضعی آن پرداخته که متکفل بیان حکم آثار مترتب بر شبیه سازی در صورت وقوع است. نویسنده مقاله به لحاظ اصولی، شبیه سازی انسانی را بی اشکال می داند و ادله مخالفان را رد می کند. وی شبیه سازی تک نسخه ای را برای انسان - با فاصله سنی - فاقد آثار منفی اجتماعی می داند، ولی معتقد است شبیه سازی گسترده قطعاً به اختلال در نظام و نظم اجتماعی می انجامد و موجب تضییع حقوق فرد، تباهی عدالت و خروج جامعه انسانی از حالت طبیعی اش می گردد و از این باب حرام خواهد بود و خلاصه این که شبیه سازی حرمت اولیه ندارد و حرمت آن مقید به اختلال در نظام اجتماعی است.

نیاز به همگامی با تحولات در زمینه شبیه سازی و تقسیم جنینی و ابراز حکم شرعی اهمیتی ویژه دارد. این دو مسئله از این بعد اهمیت دارند که آیا موجب تعدی به انسان - که خداوندش گرامی داشته و قوانین و شریعتی برای او قرار داده که او را به عدالت و کرامت می رساند - می شود یا نه؟ از این رو، در این دو موضوع از دو مدخل می توان وارد بحث شد:

اول. نگرستن در حکم تکلیفی این دو؛ یعنی مشروعیت و عدم مشروعیت؛

دوم. بررسی حکم وضعی که متکفل بحث از آثار مترتب بر این گونه تصرفات در صورت وقوع است؛ مانند احکام نسب و نفقه و ارث و ازدواج؛ زیرا شرع، آثار تصرفات را حتی اگر ممنوع باشد، سازمان دهی می کند.

در سال ۱۹۹۳م دانشمندان به کاری دست زدند که تقسیم جنینی نامیده شد و آن عبارت است از: تقسیم یک تخمک بارور شده به دو قسمت و سپس ترمیم جدار پوسته و تبدیل آن تخمک به دو تخمک بارور شده مستقل که از هرکدام از آن دو، یک جنین پدید می آید.

در سال ۱۹۹۷م دانشمندان دستاوردی داشتند که شبیه سازی نام گرفت و آن عبارت است از تولید جنینی بدون کمک گرفتن از سلول جنسی مذکر و از راهی غیر جنسی، که کاملاً مشابه صاحب آن هسته است. ادر

تولیدمثل به شیوه شبیه سازی، از همان ابتدا به جای سلول تخم ترکیب شده، هسته یک سلول ۴۶ کروموزومی جایگزین هسته تخمک می شود و در رحم زن قرار می گیرد.

در این جا ابتدا به بررسی حکم شرعی این دو حالت و سپس حکم تقسیم جنینی از شبیه سازی می پردازیم:

۱. تقسیم جنینی

فواید و کاربردها

فوایدی برای تقسیم جنینی برشمرده شده است؛ از آن جمله است:

یک. درمان نازایی. اگر تخمدان زن از فقر تخمک رنج می برد و تنها یک تخمک تولید می کند و در این هنگام احتمال شکل گیری جنین بسیار ضعیف است، پس بهتر است که اسپرم در آستانه تقسیم به دو جنین و هرکدام از آن دو هم به دو جنین دیگر تجزیه شود تا شمار کافی از جنین ها فراهم باشد و مثلاً چهار عدد از آن جنین ها در رحم زن قرار گیرد و بقیه در سرمای شدید نگهداری شود. اگر زن آبستن شد، که چه خوب؛ ولی اگر آبستن نشد باقیمانده جنین ها بار دیگر در رحم او کشت می شود.

دو. فایده دوم تشخیص بیماری ژنتیک احتمالی، پیش از قرار دادن جنین اولیه تشکیل شده از شمار اندکی از پروتوپلاسم ها در جنین است. پیشترها برای این کار پروتوپلاسم از این جنین جدا می شد تا مورد تشخیص قرار گیرد که اگر سالم بود، کشت می شد و اگر ناسالم بود، به دور انداخته می شد. اما این روش برای جنین خطرناک بود، در حالی که اگر این جنین را به دو قلو - به شیوه تقسیم جنینی - تقسیم کنیم، می توانیم یکی را برای تشخیص و دیگری را به طور کامل برای کشت استفاده کنیم.

این معنایی است که دو دانشمندی که عملیات تقسیم جنینی را بر روی اسپرم انجام داده اند، گفته اند و فواید دیگر تقسیم جنینی در ادامه می آید:

سه. مادری که به یکی از جنین ها آبستن شده و جنین های دیگرش در یخچال نگهداری می شود، در صورتی که فرزندش بمیرد و او بخواهد طفلی کاملاً مشابه او داشته باشد، می تواند با جنین یخچالی که در رحمش قرار می گیرد، آبستن شود و این جنین رشد و نمو کند و او طفلی جدید و مثل طفل قبلی خود داشته باشد.

چهار. همچنین طفلی که همتایش نگهداری شده و یا همتایی مشابه خود دارد، در صورت بیماری ممکن است به برخی اعضای جدید نیاز پیدا کند، ولی چنین اعضایی برای او فراهم نباشد. در چنین صورتی، آن جنین مشابه در رحم کشت می شود تا رشد کند و از اعضای بدن او برای همتایش استفاده می شود؛ مانند زمانی که اولی به بیماری سرطان خون مبتلا شود که نخاع همتایش را به بدن او پیوند می زنند و او از بیماری اش شفا می یابد، بی آن که همتایش آسیبی ببیند.

پنج. همچنین می توان از این طریق، بیماری های ژنتیک ناشی از اختلال در یکی از ژن های قابل وراثت را درمان کرد و با روش (تقسیم جنینی) ژنی سالم را جایگزین آن نمود. در این صورت، نسلی سالم به جریان می افتد که دور از هر ژن بیماری زیستش را ادامه می دهد و شمارشان در آینده رو به فزونی می نهد.

اشکالات

اما در مقابل این فواید اشکالاتی هم بر (تقسیم جنینی) ذکر شده که خلاصه شان چنین است:

۱. آیا اقدام به استحصال جنین های متعدد از یک تخمک بارور شده، جایز است؟
۲. وقتی جنین ها زیاد شوند و برخی از آنها کشت گردند و مایه آبستنی شده، به طفل تبدیل شوند، سرنوشت جنین های دیگر یا مرگ است و یا این که به طور رایگان و یا با فروش، در رحم زنان دیگر که خواهان آن هستند، کشت شود. در این جا دو پرسش پیش می آید:
یکم. آیا کشتن این جنین های زیادی، مشمول حکم حرمت شرعی نیست؟
دوم. آیا آبستن شدن زنان دیگر به این جنین ها اشکالی ندارد؟
۳. آیا جایز است جنین های منجمد را به منظور استفاده از اعضایش برای طفل یا هرکس دیگری که بدون آن عضو هم می تواند زندگی کند، در رحم مادر کشت کرد؟
۴. آیا پدید آوردن دو جنین دوقلو با چند سال فاصله میان عمر آن دو، به گونه ای که آینده کوچک تر با بیماری های ژنتیکی ای که دامنگیر همتای بزرگ ترش می شود قابل پیش بینی باشد، مانع شرعی ندارد؟

پاسخ شرعی به اشکال ها

پاسخ پرسش اول تقسیم جنینی محدود به تقسیم تخمک بارور شده به چند جنین است و این کار به دو شرط جایز است: اول این که این تقسیم، مایه حیات یا سلامتی جنین باشد. دوم این که تقسیم جنینی به گونه ای انجام نشود که موجب اختلال در نظام [طبیعی اجتماعی] شود؛ مانند آن که یک تخمک بارور شده، به چند جنین تقسیم شود و همزمان در چندین رحم قرار گیرد و این کار منجر به ناممکن شدن تشخیص چندقلوها گردد. ضرورت امکان تشخیص از آن رو است که تمایز و تفاوت میان بنی آدم برای جوامع انسانی براساس حکمت الهی که در آیه (ومن آیاته خلق السماوات والارض واختلاف السننکم والوانکم) ۱ آمده، ضروری است.
نظام عمومی [جامعه] مبتنی بر تمایز است و اگر تمایز از میان برود، در این نظام اختلال پدید می آید و هرج و مرج به راه می افتد؛ زیرا چه بسا مرد زن بیگانه را با همسر خود اشتباه بگیرد و یا محرم را از نامحرم نتواند

تشخیص دهد و در معاملات تمییز و تشخیص طرفین ناممکن شود و در قضا و شهادت، تشخیص مدعی از منکر و تشخیص هر دو از شاهدان امکان پذیر نباشد. وضع چنان شود که در مدارس و مشاغل و ادارات و امتحانات، فرستادن نسخه ای جایگزین به جای نسخه اصلی به آسانی میسر شود و این کار موجب تضییع حقوق و تعطیل عدالت و به هم خوردن نظام عمومی و آهنگ جامعه شود.

اگر دلیل شرط دوم روشن شده باشد، دلیل شرط اول هم اصل عدم جواز قتل مبدأ پیدایش انسان است که همان تخمک بارور شده است و این اصل با ادله شرعی ثابت شده است. در روایت معتبر اسحاق بن عمار آمده است:

(قلت للامام الكاظم: المرأة تخاف الحبل فتشرب الدواء فتلقى مافی بطنها؟ قال: لا. قلت: انما هو نطفة. فقال: ان اول ما يخلق نطفة)؛

از امام کاظم (ع) پرسیدم: [آیا جایز است] زنی [که] از حامله شدن می ترسد، دارویی بنوشد تا آنچه را در شکم دارد، سقط کند؟ گفت: نه. گفتم: اما آن، چیزی جز نطفه نیست. گفت: نخستین چیزی که آفریده می شود، نطفه است. ۲

همچنین از روایات فراوانی که درباره وجوب دیه بر کسی که اقدام به ساقط کردن نطفه بارور شده کرده، می توان حرمت را برداشت کرد. از این روایات است، صحیحه محمد بن مسلم که می گوید:

(سألت الإمام الباقر عن الرجل يضرب المرأة فتطرح النطفة فقال: عليه عشرون ديناراً. قلت يضربها فتطرح العلقة؟ فقال: عليه أربعون ديناراً)؛

از امام باقر (ع) درباره حکم مردی پرسیدم که همسرش را می زند که در نتیجه، او نطفه اش را می اندازد. گفت: باید بیست دینار بپردازد. گفتم: اگر در نتیجه زدن، علقه را سقط کند چه؟ گفت: چهل دینار. ۳

از حدیث (لاضرر ولاضرار فی الإسلام) که از پیامبر اسلام (ص) نقل شده و دایره شمول آن، موضوع مورد بحث ما را هم دربرمی گیرد، می توان به حرمت آسیب رساندن به تخمک بارور شده هم حکم کرد.

پاسخ پرسش دوم: کُشتن (قتل) جنین های دیگری که از آنها برای کشت در رحم زنان استفاده نشده است، چه به شکل منجمد نگهداری شود و چه به شکل دیگر، جایز نیست؛ زیرا چنین جنین هایی منشأ شکل گیری انسان هستند و ادله پیشین، بر حرمت قتل منشأ شکل گیری انسان یا زیان رساندن به آن دلالت می کرد.

بله، اگر تخمک بارور شده و تقسیم شده، پیش از آن که پوسته مصنوعی اش درست شود، در حالت انجماد قرار گیرد و به پوشاندن دیواره سلولی به تخمکی که قرار است در رحم قرار گیرد، اکتفا شود، در این صورت تخمکی که دیواره یا پوسته مصنوعی برایش درست نشده است، مبدأ پیدایی انسان نیست و اگر در آینده نیازی بدان نبود، از میان بردنش اشکالی ندارد؛ زیرا دلیلی بر حرمت اتلاف آن پیش از آن که منشأ پیدایی انسان باشد، وجود ندارد؛ چراکه وضعیتش مانند وضعیت منی است که هدر دادن آن جایز است.

اما در این که این جنین ها به زنان دیگر بخشیده شود تا در رحمشان قرار گیرد، دلیلی بر عدم جواز آن وجود ندارد؛ زیرا برای ما حرمت وارد کردن نطفه در رحم زنی که بر صاحب نطفه حرام است، ثابت شده و این امر غیر از زنا است. در حدیثی معتبر از امام صادق (ع) آمده است:

(إن اشدّ الناس عذاباً يوم القيامة رجل أقرّ نطفته في رحم يحرم عليه)؛

مّعذب ترین انسان ها در روز قیامت، مردی است که نطفه اش را در رحمی قرار دهد که او حرام است. ۴.

در روایت دیگری که صدوق از پیامبر اسلام روایت کرده، آمده است:

(لن يعمل بنی آدم عملاً أعظم عند الله عزّ وجلّ من رجل قتل نبياً أو إماماً أو هدم الكعبة التي جعلها الله قبلة لعباده أو أفرغ مائه في امرأة حراماً)؛

آمییزاد، کاری را که در نزد خدا درشت تر از کشتن پیامبر یا امامی، یا ویران کردن کعبه ای که قبله گاه بندگان قرار داده شده و یا ریختن منی در زنی که بر آنان حرام است، مرتکب نمی شوند. ۵.

در حدیث اول روشن است که منظور از نطفه، منی است؛ زیرا (نطفه مرد) گفته شده است، ولی مورد سؤال نطفه ای است که تخمک بارور شده، یعنی تشکیل شده از اسپرم مرد و اوول زن است که منشأ پیدایی انسان است. از این رو، پاسخ ما جواز صرف قرار دادن این تخمک در رحم زن بیگانه است؛ زیرا ادله حرمت یادشده شامل آن نمی شود. بنابراین کار مادری که به این جنین (تخمک) آبستن می شود، اگر مستحب نباشد، حداقل جایز است.

اما بزرگ نمایی ای که برای این کار می شود و گفته می شود که زن (آبستن جنینی بیگانه خواهد شد که نه از آن شوهرش و نه از آن خودش و نه در دایره عقد زناشویی شکل گرفته است، مفید حرمت نیست؛ زیرا چه اشکالی دارد که زن آبستن فرزندی شود که نه از شوهرش است و نه از خودش و نه برآمده از قرارداد زناشویی؟ آیا این کار زنا است، یا دلیلی بر حرمت آن در سنت شریف و قواعد شریعت وجود دارد؟ بلکه چه بسا بتوان گفت: زنی که جنین جنینی را که منشأ پیدایی یک انسان است، از مرگ نجات بخشیده و در رحم خود پذیرفته است. پس در حقیقت به سبب این که جنینی را از مرگ نجات داده، مستحق سپاس است.

پاسخ پرسش سوم: اما استفاده از جنین های منجمد برای کشت در رحم مادر یا غیر او به شرط این که منجر به مرگ یا آسیب رسیدن به آن جنین نشود، جایز است؛ زیرا روشن است که از بین بردن آن برای نجات بخشیدن زندگی دیگری و زیان رساندن به آن برای سود رساندن به دیگری جایز نیست. اما اگر استفاده از آن برای [علاج] دیگران موجب زیان برایش نباشد، امری جایز است که ولی او یا خودش پس از رسیدن به سن بلوغ و رشد می توانند انجام دهند. این حکم به روشنی از شریعت درخشان اسلام که اصل قتل را باعث ضرر رساندن به موجود زنده دانسته و براساس سخن رسول خدا(ص) (لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام)، آن را حرام کرده است، دریافته می شود.

در این جا باید به این نکته توجه دهم که وقتی می‌گوییم: (قرار دادن جنین های تقسیم شده در رحم زوجه یا رحم زنان حرام نیست)، این حکم تنها در صورتی است که قراردهنده جنین، همسر آن زن باشد؛ یعنی کسی که کشف عورت زن در برابر او جایز است یا در صورت اضطرار و در مرحله معالجه مجاز شرعی قرار داشته باشد که غیر همسر هم می‌تواند اقدام به این کار کند.

پاسخ پرسش چهارم: اما ایجاد دو جنینی که چند سال میان آن دو فاصله افتد و آن که کوچک تر است، آینده خویش را در بیماری های ژنتیکی ای که بر سر همتایش می‌آید، ببیند و بداند که چنین بیماری هایی در کمین او است، دلیلی برای حرمت آن نیست؛ زیرا چه بسا خانواده هایی که مبتلا به بیماری های قند و چاقی و فشار خون و دیگر بیماری های ژنتیکی هستند و هیچ کس بچه دار شدن این خانواده ها را - به بهانه آگاه شدن طفل به امراض وراثتی ای که در انتظارش خواهد بود - حرام نمی‌داند.

بله، شاید بتوان حکم کرد به حرمت مطلع کردن همتای کوچک تر و حتی بزرگ تر از بیماری هایی که دامنگیرش خواهد شد؛ زیرا موجب آزار او می‌شود و شریعت اسلام آزار رساندن به مسلمانان را نهی کرده است، ولی این امر ربطی ندارد به حرمت به وجود آوردن طفلی که از ابتلای خود به بیماری هایی در آینده خیردار خواهد شد.

پدر و مادر، چه کسانی هستند؟

حال این پرسش پیش می‌آید که اگر جنین های تقسیم شده را در رحم زنان فاقد تخمک قرار دهیم، چه کسی (پدر) و چه کسی (مادر) خواهد بود؟

پاسخ این است که وقتی دانستیم معنای حقیقی فرزند، موجودی است که از چیزی زاده شود و یا از آن نشئت گیرد و وقتی دانسته شود که عرفاً عنوان فرزند به موجودی اطلاق می‌شود که از منی مرد و تخمک زن برآمده باشد؛ بنابراین این چندقلوهایی که حاصل منی زوج و تخمک زوجه ای باشند، فرزند همان زوج و زوجه هستند. اما زنی که تخمک بارور شده در رحمش قرار داده شده است، مادری مجازی است که آن نطفه را در رحمش پرورده است و مادر حقیقی نیست؛ زیرا قرآن کریم می‌گوید: (ان امهاتهم الا اللائی ولدنهم؛ مادران آنها جز کسانی که آنان را زاده اند، نیستند)، و ولادت حقیقی با قرار دادن تخمک بارور شده در شکم و بیرون آوردن آن نیست - چنان که غیرعرب ها ممکن است نام این کار را هم ولادت بگذارند - بلکه فرزند حقیقی، آن است که از وی نشئت گرفته و زاده شده باشد. بنابراین مرد و زنی که فرزند محصول منی و تخمکشان است، پدر و مادر حقیقی او هستند.

اما نسبت این مادری که نطفه را در شکم خود پرورده و نه ماه میزبان او بوده است، با خود آن طفل چه می‌شود؟ گفته شده است براساس قیاس اولویت قطعی، اگر طفل شیرخوار از شیر زنی بخورد که آن شیر موجب

استحکام استخوان و رشد و فربه شدن بدن او شود، به آن زن محرم باشد، قطعاً مادری که نه ماه آن طفل را در حالت جنینی در شکم خود پرورش داده هم به او محرم است.

۲. شبیه سازی

در باب فواید شبیه سازی، همان فوایدی که برای تقسیم جنینی گفته شد، در این جا هم گفته می شود؛ مانند غلبه بر برخی مشکلات نازایی، تشخیص عدم وجود بیماری در نطفه ای که قرار است در رحم نهاده شود، کندن ژن بیماری وراثتی و جایگزین کردن آن با ژنی سالم، و مانند این موارد که در باب تقسیم جنینی هم ذکر شد.

اما پرسش شرعی این است که آیا شبیه سازی به لحاظ اصولی و یا از حیث ثانوی، حرمت شرعی ندارد؟ پاسخ این است که نفس عملیات شبیه سازی انسانی به عنوان اولی اش در صورت موفقیت اشکالی ندارد، به شرط این که با کار حرام دیگری تقارن نیابد؛ اما از نگاهی دیگر، حکمت بالغه الهی که بر تفاوت و گوناگونی زبان ها و رنگ ها برای حفظ نظام عام جریان داشته است، در صورت اجرا به شکل گسترده مقتضی حرمت شبیه سازی است، آن حرمت هم در صورتی است که شباهت نسخه های این شبیه سازی درست مانند شباهت نسخه های یک کتاب باشد و موجب اختلال قطعی در نظام اجتماعی شود، ۶ و این از آن رو است که - چنان که پیشتر گفته آمد - برای مثال در ازدواج میان زوجه و همتای او و میان محرم و نامحرم نمی توان تمایز قائل شد، و تشخیص طرفین معامله در معاملات و مدعی و مدعی علیه از یکدیگر و تشخیص هر دو از شهود ناممکن خواهد شد، و مالک را از غیر مالک نمی توان تمییز داد، و امکان تقلب در امتحانات مدارس و مشاغل و ادارات فراهم خواهد شد، و اینها افزون بر تباهی نسب هاست که موجب تضییع حقوق می گردد.

خلاصه کلام این که با اجرای شبیه سازی انسانی به شکل گسترده، چنین خطرها و تعدی هایی، فردیت فرد و خاص بودن او و تمییزش را از مشابهانش تهدید می کند و ساختار تثبیت شده اجتماعی متزلزل می گردد و تمام بشریت در معرض خطر قرار می گیرد.

اما تمام این خطرها و تهدیدها که گفته شد، نمی تواند حلیت شبیه ساختن را برای شخص معینی که می توان میان آن دو - حداقل از راه تفاوت سنی - تمییز داد، از میان بردارد. به عبارت دیگر می توان گفت ساختن شبیه برای هر فردی که نسخه ای یگانه است، در صورتی که محذور یاد شده - که ناشی از شبیه سازی گسترده است - وجود نداشته باشد، حلال است و دلیلی بر حرمت آن وجود ندارد. پس مطلقاً نیازی به تحریم شبیه سازی نیست و بلکه تحریم شبیه سازی در شرایطی که دلیلی هم بر آن وجود ندارد، جایز نیست.

دو نکته درخور توجه

ییک. شبیه سازی تک نسخه ای برای هر شخص، در صورت جایز بودن - چنان که گذشت - چه بسا اکنون ممنوع باشد؛ زیرا ارزیابی فایده و ضرر این کار، هنوز به آینده حواله داده شده است. چه بسا این کار، زیان هایی را با خود داشته باشد که تنها پس از عملی شدن شبیه سازی انسانی، آشکار شود و در صورتی که در حالات خاص اجازه شبیه سازی داده شود، زیان های آن قابل کنترل نباشد. فراموش نکرده ایم که پس از توانایی بشر بر شکافتن اتم، زیان هایی به بار آمد که پیش از آن و حتی پس از آن دانسته و مورد انتظار نبود؛ زیرا برخی از زیان ها، مدت زیادی پیش از حادثه، آشکار نمی شوند. ۷.

بنابراین حکم به جواز در صورتی قطعی است که هیچ زیانبار نباشد. این امر مقتضی آن است که دست پژوهش علمی از باب معرفت اسرار الهی آفرینش در شبیه سازی نباتات و پستانداران باز باشد تا در طی زمانی دراز، بی ضرر بودن شبیه سازی انسانی - که از پستانداران است - اثبات شود و کار شبیه سازی بر روی انسان متضمن هیچ گونه مخالفتی با شرع مقدس نباشد. مراعات این نکته در بحث تقسیم جنینی هم لازم است.

دو. ولی امر - یعنی حاکم شرعی ای که زمام امور مسلمانان را در دست دارد - می تواند تقسیم جنینی و شبیه سازی را با حکم ولایی یا حکومتی حرام کند؛ چنان که دولت های غربی تحقیق درباره شبیه سازی انسانی را ممنوع و ردیف بودجه چنین تحقیقاتی را حذف کرده اند و انجام دادن چنین پژوهش هایی را برای چند سال به تعلیق درآورده اند تا مراکز تخصصی درباره اصل این کار به نتیجه مشخصی برسند و سپس درباره آن تصمیم گیری شود. اما با این حال می گوییم: چنین تحریمی، حکم شرعی تغییرناپذیر نخواهد بود؛ بلکه حکم ولایی حکومتی است که در زمان و مکان مشخصی قابل دگرگونی است.

۳. تقسیم جنینی از شبیه سازی

این فرض سوم عبارت است از ایجاد چندقلوهای از تخمک هسته زدایی شده که در آن سلول جسمی ای کشت می شود و پس از تقسیم اولیه، غشای سلول به صورت مصنوعی پیوند داده می شود تا آن پارگی التیام یابد. سپس هر سلول به دو سلول مادر مستقل تقسیم می شود که خود قابلیت تقسیم دوباره برای تکوین جنین را دارد. به این ترتیب، از سلولی که لقاح جنسی نیافته، چندین دوقلو داریم که در آینده می تواند نسخه ای مطابق اصل از صاحب هسته جسمی باشد. حکم این کار اگر در آینده موفقیت آمیز باشد، تفاوتی با حکم شبیه سازی ندارد و اگر به صورت گسترده عملی شود و از یک شخص نسخه های فراوان تولید شود که موجب اختلال در نظام اجتماع شود، حرام خواهد بود.

آیا موجود تولد یافته از شبیه سازی فرزند شرعی است؟ پدر و مادر او کیان اند؟

من معتقدم، تولد حقیقی آن است که از دیگری نشئت گیرد. پس زمانی که می گوییم حرارت از آتش زاده می شود، منظور این است که آتش، حرارت را است و زمانی که گفته می شود گیاه و نبات از بذر همراه با آب

و خاک تولد می یابد، منظور این است که این عناصر با هم گیاه را می زاینند. این معنای لغوی تولد است. در کتاب مجمع البحرین هم (والدیت) چنین تفسیر شده است که از برخی اجزای او موجود زنده دیگری بر سبیل استحاله در آن جزء تصور شود. از این رو، ما ادعای کسی را که می گوید: (مادر همان کسی است که وضع حمل کرده و طفل را حتی اگر تخمکش از آن خود وی نبوده باشد، از شکمش به بیرون افکنده است)، قبول نداریم؛ زیرا قرآن کریم آن جا که می گوید: (ان امهاتهم الا اللائی ولدنهم؛ مادران آنان جز کسانی که آنان را زاده اند، نیستند)، به تولدی حقیقی اشاره می کند که با تبدیل تخمک به نطفه پدید می آید. پس صاحب تخمک، همان مادر حقیقی ای است که فرزند از او متولد می شود.

اما در خصوص مسئله نسب باید توجه داشت که هرگاه تولد صدق کند، ناگزیر عناوین انتزاعی دیگر مانند پدر و مادر (یعنی والد و والده) هم صدق می کند؛ زیرا در نسب تولد به تنهایی و بدون صدق عنوان فرزند و پدر و مادر فایده ندارد. بنابراین نسب، تنها به صدق تولد حقیقی - مانند نبات و جماد - نیازمند نیست؛ بلکه باید سه عنوان فرزند، پدر و مادر یکجا صدق کنند.

اگر به عرف رجوع کنیم، درمی یابیم که عنوان پدر بر کسی اطلاق می شود که فرزند از منی او پدید آمده باشد و عنوان مادر بر کسی صدق می کند که فرزند از تخمکش سر برآورده باشد. بنابراین تولد به تنهایی افاده نسب نمی کند؛ چنان که اگر فرزندی از سلول جسمی کسی تولد یابد، عرف، صاحب آن سلول جسمی را پدر آن طفل نمی داند؛ هرچند در تکوین او دخالت داشته است. همچنین است زنی که از او سلول جسمی گرفته شده است که به رغم نقش آفرینی اش در تکوین طفل، مادر او خوانده نمی شود. به همین سبب تولد حرارت از آتش، مجوز صدق عنوان پدر بر آتش نمی شود؛ هرچند آتش سبب زاده شدن حرارت است.

پس عرف حکم می کند که مفهوم پدر (والد) بر کسی صدق کند که طفل از اسپرم او برآمده باشد و مفهوم مادر (والده) بر کسی صدق می کند که طفل از تخمک او تولد یافته باشد. بنابر این تعریف، بر کسی که طفل از سلول جسمی او تولد یافته باشد، (پدر) گفته نمی شود. در این صورت نسخه شبیه سازی شده، پدر ندارد و مادرش، کسی است که صاحب تخمک است.

احکام وضعی شبیه سازی ها

گاه اموری اتفاق می افتد که باید ابتدا حکم شرعی آن شناخته شود و در درجه دوم حکم وضعی آن. در این جا برخی اموری را که ممکن است در آینده اتفاق افتد، ذکر می کنیم تا در معرفت حکم شرعی و وضعی این امور گامی از زمانه پیش افتاده باشیم.

۱. در عمل لقاح جنینی سنتی که مجموع اسپرم مرد و تخمک زن است، تخمک بارور شده زوجه - مثلاً - زید در درون خود هسته ای را حمل می کند که دارای ۲۳ کروموزوم حاوی صفات ژنتیکی است. پیرامون این

هسته، مایعی به نام سیتوپلاسم وجود دارد که به بهبود تقسیم سلولی کمک می کند. اگر فرض شود که سیتوپلاسم این تخمک بارور شده، بیمار بوده باشد و آن هسته به تخمک فاقد هسته و دارای سیتوپلاسم سالم زن دیگری منتقل شود، در این صورت تخمک بارور از آن زوجه زید (زن اولی) است؛ اما سیتوپلاسم از آن دیگری است. اگر این تخمک با منی زنده زوج لقاح یابد، منشأ انسانی دارای ۴۶ کروموزوم خواهد بود و این کروموزوم ها است که صفات ژنتیکی فرزند را معین می کند، اما سیتوپلاسمی که به ادامه حیات سلولی و تقسیم آن کمک می کند، از آن شخص ثالثی است که نه پدر است و نه مادر. در این جا نخست این پرسش پدید می آید که آیا انتقال هسته به سیتوپلاسم زنی دیگر حرام است، یا خیر؟

پاسخ این است که ما دلیلی بر حرمت انتقال هسته تخمک به سیتوپلاسم زنی دیگر نیافته ایم، اما کدام یک از آن دو زن، مادر به شمار می آیند؟ ما معتقدیم از آن جا که مادر بنا به تعریف یاد شده، کسی است که فرزند از او و از تخمک او تولد یافته باشد، در این جا چون فرزند، تکوین یافته از هسته و سیتوپلاسم است، بنابراین صاحب هسته و صاحب سیتوپلاسم هر دو مادر این فرزند خواهند بود. اگر بر ما اعتراض شود که عرف تعدد مادر را نمی پذیرد، پاسخ ما این است که عرف مفهوم را می پذیرد، ولی در تشخیص مصداق اشتباه می کند و خطای عرف در مصداق در صورت پذیرش مفهوم، اعتباری ندارد.

۲. در باب شبیه سازی پرسش های دیگری ممکن است پیش آید که به همراه جواب ها، در ذیل آنها را ذکر می کنیم:

الف) اگر هسته از سلول جسمی مذکر و تخمک هسته زدا شده زن فراهم آمده و عمل تلقیح انجام شده و در رحم زن صاحب تخمک قرار گرفته باشد، در این صورت چه کسی پدر و چه کسی مادر است؟ و آیا فرقی هست میان آن که میان دو منشأ رابطه زناشویی برقرار بوده باشد یا چنین رابطه ای برقرار نباشد؟

پاسخ: صاحب تخمک، همان مادر طفل است؛ زیرا عرفاً صاحب تخمک مادر به شمار می آید و از آن رو که اسپرمی وجود ندارد، پس این طفل پدر ندارد؛ زیرا چنان که گذشت، عرفاً صاحب اسپرم، پدر به شمار می آید و فرقی نیست میان آن که میان آن دو منشأ رابطه زناشویی برقرار بوده باشد و یا نباشد.

ب) اگر در تولید طفلی، از سلول های زنی باکره گرفته شده باشد، آیا آن طفل، فرزند شرعی خواهد بود، در حالی که آن زن شوهر ندارد؟

پاسخ: صاحب تخمک، مادر است و چنین طفلی پدر ندارد و در چنین شرایطی میان این فرزند و مادرش - در صورت مرگ یکی از آن دو - رابطه توارث برقرار است؛ زیرا رابطه ارث بری با صدق عنوان مادر و فرزند برقرار می شود.

ج) اگر سلول جسمی زنی را با تخمک هسته زدایی شده زنی دیگر بیامیزند و طفلی از آن متولد شود، چه کسی پدر و چه کسی مادر خواهد بود؟

پاسخ: از آنچه گفته شد، روشن است که مادر آن طفل کسی است که از او تخمک گرفته شده، اما زن دیگر مادر نیست؛ زیرا عرف، صاحب تخمک را مادر می شناسد و معنای لغوی مادر و معنای تولد حقیقی هم همین است.

۳. آیا شبیه سازی چالشی در برابر انسانیت انسان نیست؟ انسان در زاد و ولد طبیعی خود، نیازمند دو منشأ به نام پدر و مادر است؛ در حالی که در شبیه سازی یک سلول بارور شده تنها به یکی از والدین نیاز است. آیا این امر بر ویژگی های اساسی روابط انسانی و پیوند متقابل انسانها تأثیر نمی گذارد؟ و آیا می توان گفت که فرد شبیه سازی شده هم پدر و مادر دارد و آن دو کسانی هستند که سلول و تخمک از آنها گرفته شده است؟ اگر پاسخ مثبت باشد، چه نسبتی میان این فرد شبیه سازی شده با صاحب سلول و یا تخمک برقرار خواهد بود؟

پاسخ: این طفل شبیه سازی شده، همان گونه که پیشتر گفته آمد، پدر ندارد؛ هرچند شخص مذکری در تکوین او نقش داشته است، اما به او عرفاً پدر نمی توان گفت. اما مادرش همان کسی است که از او تخمک را گرفته اند. بنابراین می توانیم بگوییم چنین کاری تأثیر بر پیوند و روابط متقابل انسان ها نخواهد داشت، جز این که این بچه، پدر ندارد.

۴. آیا شبیه سازی موجب درهم کوبیدن کرامتی نیست که قرآن کریم برای انسان قائل شده است: (ولقد کرّمنا بنی آدم؛ و ما بنی آدم را گرامی داشتیم) و اگر شبیه سازی ممکن شود، چه راه هایی برای حفظ و تثبیت کرامت انسان وجود خواهد داشت؟ و اساساً کرامت در این آیه به چه معنا است؟

پاسخ: مقصود از کرامتی که خدای تعالی به بنی آدم بخشیده، اعطای عقل و اندیشه به آنان برای رسیدن به مدارج کمال است و در این صورت، شبیه سازی موجب پایمال شدن این کرامت خداداد نخواهد شد؛ زیرا چنین کرامتی به فرد شبیه سازی شده هم که - هرچند تنها از راه مادر - از بنی آدم است، اعطا شده است. بله، چنان که گفتیم، اگر شبیه سازی به جایی برسد که موجب اختلال در نظام اجتماع گردد، امری نارواست و دلیل آن را هم پیشتر گفتیم.

۵. آیا در آینده با عملی شدن شبیه سازی، حقوق بشر در معرض تهدید قرار خواهد گرفت؟ آیا حقوق اخلاقی پایمال و تهدید نخواهد شد؟ آیا شبیه سازی موجب زیان دیدن منافع فرد و جامعه خواهد شد؟

پاسخ: اگر شبیه سازی در سطحی گسترده اجرا شود، به گونه ای که منجر به اختلال در نظام اجتماع شود، حقوق بشر تهدید و حقوق اخلاقی، پایمال خواهد شد و منافع فرد و جامعه زیان خواهد دید و از این رو، ما شبیه سازی را در صورتی که به اختلال نظام بینجامد، منع کرده ایم.

۶. آیا شبیه سازی موجب پایمال شدن حق آزادی تولیدمثل نیست؟

پاسخ: ما وقتی شبیه سازی به شکل گسترده را به سبب اختلال در نظام منع کردیم، پایداری حق آزادی تولیدمثل هم از مصادیق این اختلال خواهد بود. اما این پایداری برای دفع مفسده بزرگ ناشی از شبیه سازی منجر به اختلال نظام پذیرفته می شود و هرگاه فاسد با افسد تزاخم کند - در فرض صدق عنوان فاسد در صورت تزاخم - فاسد بر افسد مقدم می شود.

با این حال می گوییم: در صورتی که شبیه سازی را برای هر فرد به شکلی که به اختلال نظام نینجامد، مجاز بشمریم، منجر به پایداری شدن حق آزادی تولید مثل نخواهد شد. برای مثال اگر هر فرد بخواهد نسخه ای مشابه او تولید شود، به گونه ای که فاصله سنی میان او و نسخه مشابهش - مثلاً - پنجاه سال باشد، در چنین شرایطی اگر شبیه سازی به صورت گسترده ممنوع باشد، آزادی حق تولیدمثل پایداری نخواهد شد.

۷. در شبیه سازی، طفل از دو ماده وراثتی (پدر و مادر) آفریده نمی شود؛ بلکه از یک ماده وراثتی خلق می شود. از جهت ترکیب ژنتیکی، فرزندان ذکور نسخه مشابه مرد و فرزندان مؤنث نسخه زن هستند. آیا آفریده شدن از ماده ژنتیکی واحد سبب می شود که خانواده نتواند آن فرزندان را فرزندان خود بنامد؟ یا این که آنان به رغم تولید شدن از ماده ژنتیکی واحد، فرزندان خانواده هستند؟

پاسخ: گفتیم که به هر حال عرف این فرزندان را صرفاً فرزندان زنی می داند که صاحب تخمک است؛ زیرا در مسئله نسب، صدق تولد کافی نیست؛ بلکه نیاز به صدق تولد و صدق والد و والده است و (پدر) هم عرفاً جز بر کسی که طفل محصول اسپرم او بوده باشد، و (مادر) هم عرفاً جز بر کسی که فرزند از تخمک او به وجود آمده باشد، صدق نمی کند، و در شبیه سازی، عنوان مادر تنها بر کسی که از تخمک او فرزند به وجود آمده باشد صدق می کند.

۸. زمانی که شبیه سازی سلولی، باب خلق شماری بی پایان از اشخاص مشابه ژنتیکی را فراهم سازد، آیا سبب به هم خوردن درک ما از ویژگی های اساسی فردی هر موجود انسانی نمی شود؟ و آیا تحمیل قیودی بر تمام نسخه های انسانی قابل استحصال از یک شخص ممکن است؟

پاسخ: شبیه سازی اگر به صورت گسترده انجام شود، قطعاً به اختلال نظام می انجامد و به این ترتیب حقوق اساسی فرد، پایداری و عدالت، تباہ و جامعه از حالت جامعه بشری خارج می شود. پیشتر گفته شد قیودی که بر همه نسخه های شبیه سازی شده نهاده می شود، قیودی شرعی است و همگی به یک قید برمی گردند که آن هم این است که شبیه سازی منجر به اختلال نظام نشود.

۹. برخی ارزش های نامقبول در تمام کشورهای جهان وجود دارد که همه کشورها به منع آنها پایبندند؛ مانند: جنایات جنگی، بردگی و جنایت در حق بشریت. آیا شبیه سازی هم از این دسته ارزش های مطلقاً نامقبول است تا مشمول ممنوعیت الزامی بین المللی شود؟ یا فعالیت در این زمینه همانند تکنولوژی هسته ای متوقف یا معلق شود؟

پاسخ: هرگاه شبیه سازی منجر به اختلال در نظام شود، مثلاً اگر به صورت گسترده عملی شود، باید ممنوعیت بین المللی آن به عنوان ارزشی نامقبول در تمام کشورهای جهان اعلام گردد؛ زیرا حکمت بالغه الهی و شریعت مقدس بر مبنای تمایز میان انسان ها جریان دارد. بنابراین هر کاری که منجر به عدم تمایز شود، منجر به اختلال در نظام می شود که این اختلال و پریشانی در نظام اجتماع امری نامقبول است. اما اگر شبیه سازی منجر به اختلال در نظام نشود، توجیهی برای ممنوعیت آن وجود ندارد؛ بلکه منع آن موجب تضییع حق آزادی تولیدمثل است.

بله، گاه حاکم شرعی از باب مصلحت می تواند بنا به حکم حکومتی - که البته موقتی خواهد بود - شبیه سازی را ممنوع کند.

۱۰. شبیه سازی انسانی، منافع درمانی ای - به ویژه در زمینه درمان نازایی - دارد و در همان حال مجموعه ای از خطرات را هم به همراه دارد. چگونه می توان جهت زمینه سازی برای تصمیم گیری، میان منافع و خطرهای آن توازن ایجاد کرد؟

پاسخ: اگر ثابت شود که شبیه سازی بشری خطرهایی دارد، اقدام به آن جایز نیست؛ زیرا اسلام کاری را که برای دیگران زیانبار است، حرام کرده است.

رسول خدا(ص) فرمود:

(لاضرر و لا ضرار فی الاسلام)؛

هیچ زیان بینی و زیان رسانی ای در اسلام پذیرفته نیست.

وانگهی توازن میان منافع و ضررها، هرچند براساس قانون معمول در اصول فقه - که معروف به قانون تراحم است - آنچه ضررش کمتر است بر آنچه زیانش بیشتر است مقدم می شود، ولی این قاعده تنها جایی کاربرد دارد که راه دیگری برای خلاصی از تراحم وجود نداشته باشد؛ مثلاً راه دیگری جز تکثیر سلولی برای تولیدمثل نمانده باشد؛ در چنین وضعی منافع و مضار آن ارزیابی می شود و اگر مضار آن بیشتر بود، ممنوع می گردد. اما اگر راه دیگری برای تولیدمثل و ازدیاد نسل وجود داشت که همان شیوه معمولی و سنتی است، دیگر اساساً نوبت به سنجش منافع شبیه سازی و مقایسه آن با خطرهایش به عنوان راهی برای تصمیم گیری نیست؛ بلکه هرگونه ضرری که از طریق انجام شبیه سازی بر دیگران وارد آید، تا زمانی که شیوه تولیدمثل منحصر به شبیه سازی نباشد، مجوز ممنوعیت شبیه سازی خواهد بود.

از این گذشته، ما پیشتر گفتیم که بهتر است در دوره زمانی طولانی ای، عمل شبیه سازی بر روی حیوانات اجرا شود تا پیش از انجام دادن آن بر روی انسان، از بی ضرر بودن آن اطمینان حاصل آید.

۱۱. مسئولیت افراد و جوامع در برابر عملی شدن شبیه سازی چیست؟

پاسخ: مسئولیت افراد و جوامع در برابر شبیه سازی حرام، منع و دفع است که راه آن هم استفاده از قدرت و تعیین مجازات بدنی و مالی بر کسانی است که موجب اختلال در نظام می شوند، چه از راه شبیه سازی و چه از راه های دیگر.

۱۲. اگر سلولی را از بدن یک مرد بگیریم و در تخمک فاقد هسته همسرش قرار دهیم تا نسخه ای ژنتیکی مطابق اصل (مرد) پدید آوریم، ولی تا رسیدن زمان مناسب برای قرار دادن آن در رحم همسرش آن را در حالت انجماد نگه داریم و در همین دوره انتظار، آن مرد بمیرد و پس از شش ماه از مرگ او، آن تخمک بارور شده در رحم زن کشت شود و فرزندی از او به دنیا آید، آیا این فرزند که شباهت تامی به پدرش دارد و یک سال و نیم پس از مرگ او به دنیا آمده، از او ارث می برد؟ همین مثال می تواند برای موردی که پدر و مادر هر دو مرده اند و تخمک بارور شده انسان، در رحم زنی، میزبان قرار گرفته است. اتفاق افتد، آیا این طفل از پدر و مادرش ارث می برد؟ و رابطه او با آن زنی که در رحمش بزرگ شده، چگونه است؟

پاسخ: گفتیم که این نسخه شبیه سازی شده، پدر ندارد؛ زیرا عرفاً پدر کسی است که طفل از منی او متولد شده باشد و این طفل از منی او نیست و بنابراین از او ارث نمی برد؛ حتی اگر عنوان پدر بودن به چنین مردی صدق کند، فرزندش مستحق دریافت ارث از پدرش نیست؛ زیرا ادله ارث دلالت می کند بر این که فرزندی که در زمان حیات پدر زنده است - حتی اگر جنین باشد به شرط زنده متولد شدن - از او ارث می برد. اما این طفل شبیه سازی شده که در حیات پدرش - حتی در شکل جنینی - زنده نبوده است، مشمول ادله استحقاق ارث نمی شود.

اما راجع به ارث بری از مادرش؛ در صورتی که مادرش پیش از آن که تخمک بارور شده این بچه در رحم زن میزبان قرار گیرد، مرده باشد، باز این طفل از او ارث نمی برد؛ زیرا در زمان حیات مادرش زنده نبوده است.

۱۳. اگر نسخه های متعدد مطابق اصل از یک انسان تولید شود و جنایتی مانند قتل از سوی یکی از آنان رخ دهد، راه تشخیص جرم از گذشته تاکنون، انگشت نگاری است که به دلیل نبود نسخه ای مشابه معتبر است؛ ولی این شیوه در صورت وجود نسخه های مشابه که اثر انگشتشان هم مشابه است، کاربرد نخواهد داشت. آیا شبیه سازی در صورت عملی شدن، موجب نابودی و تعطیل عدالت و ایجاد هرج و مرج خواهد شد؟ یا این که باید مردم را از تعامل (خرید و فروش و دین و وعده و عهد) با آنان منع کرد که این هم بخشی از مشکل را حل می کند، نه تمام آن را؟

پاسخ: اگر شبیه سازی به صورت گسترده عملی شود، قطعاً به اختلال در نظام و نابودی عدالت می انجامد و از این رو، چنین کاری حرام است. اما هیچ توجیه شرعی برای ممنوعیت ایجاد نسخه ای از یک شخص که با تفاوت سنی مثلاً پنجاه ساله از او متمایز است، وجود ندارد.

۱۴. فرض کنید که انسانی شبیه سازی شده است، ولی نسخه های دست نخورده ای از او به شکل منجمد نگهداری می شود و در معرض فروش به زنانی است که مایل اند طفلی به دنیا آورند. در چنین وضعی آن زنان

منتظر می مانند تا ببینند این نسخه شبیه سازی شده چگونه است و اگر خوششان آمد، نسخه ای منجمد شده از او را می خرند. در این فرض، آیا این کار جایز و این خرید و فروش صحیح است؟ نسخه اولی با دومی و سومی و چهارمی، چه نسبتی خواهد داشت؟ آیا این نسخه ها از صاحب هسته و تخمک هسته زدایی شده، ارث می برند؟ و اگر ارث بیشتر تقسیم شده، آیا او حق دارد به آنان یا وارثانشان رجوع و مطالبه ارث نماید، از آن رو که حق خودش در ارث بردن مقدم بر حق آنان است؟

پاسخ: دلیلی بر حرمت این کار - در صورتی که به اختلال در نظام نینجامد - وجود ندارد. اما فروش این نسخه های منجمد به زنانی که مایل به آبستنی به این شکل هستند، قرارداد صحیحی است که مشمول قاعده (اوفوا بالعقود) می شود. اما رابطه میان نسخه های مشابه، رابطه برادری است و این در صورتی است که مادرشان که صاحب تخمک است، یکی باشد؛ ولی این نسخه های جدید که پس از مرگ مادرشان (صاحب تخمک) متولد می شوند، از او ارث نمی برند؛ زیرا ارث بردن مشروط به حیات داشتن در زمان حیات مادر است؛ هرچند این حیات در سطح جنینی باشد و جنین هم زنده به دنیا آید. این طفلی هم که پس از مرگ مادرش به دنیا آمده است، مشمول ادله ارث از مادری که ارثش تقسیم شده یا تقسیم نشده است، نمی شود.

۱۵. اگر نسخه مشابه شخصی که در سی سالگی قرار دارد، تولید شود و ده سال بعد آن شخص در چهل سالگی اش مبتلا به سرطان ناشی از عوامل ژنتیکی شود و پزشکان یقین کنند که نسخه مشابه که اکنون ده ساله است، سی سال بعد دچار این بیماری خواهد شد، در این حال، آیا مجازند بدون اجازه او و پیش از ابتلای او، جراحی کوچکی برای برداشتن عضو مشابه مبتلا به سرطان بر روی او انجام دهند؟

پاسخ: اگر دانشمندان اجماع داشتند که سرنوشت این طفل، همانند سرنوشت کسی است که سلولش از او گرفته شده است، هرچند که او فعلاً بیمار شده است، می توانند بر روی او جراحی انجام دهند. این جواز در دو صورت است:

الف) این که آن بچه، بالغ و عاقل باشد و اجازه جراحی را بدهد؛

ب) این که در صورت صغیر یا غیرعاقل بودنش، اذن ولی او کسب شود.

۱۶. بقای نوع جانداران و به ویژه پستانداران در سطح پیشرفته آن، مبتنی بر تکثیر از راه پیوند زناشویی میان عنصر مذکر و عنصر مؤنث است. ثابت شده است که ژن های وراثتی (کروموزوم ها) در معرض مشکلی هستند که در علم ژنتیک (جهش) خوانده می شود که در آن، ژن سالم به ژن بیمار تبدیل می شود. برای رهایی این ژن های بیمار، نیمی از خزانه ژنتیکی سلول جنسی (تخمک یا منی) از بین می رود. پس اگر آن نیمه باقی مانده نر و ماده با هم پیوند خوردند، سلول کاملی تشکیل می شود که تخمک لقاح یافته ای است که در اولین مراحل جنینی است. در این وضع اگر ژن های بیمار در نیمه لقاح یافته وجود داشت، شاید آن نیمه دیگر که متعلق به شریک او است، بر آن غلبه کند و آن را از بیماری ها تصفیه نماید. اما چگونه و چه زمانی نیمی از بار وراثتی سلول جنسی، دور افکنده می شود؟

پاسخ: زمانی که سلول جنسی بارور - یعنی قابل تلقیح - شد. توضیح این که در تقسیم آخر سلول جنسی که با آن آمادگی برای توان باروری را می یابد، کروموزوم هابه دو نیمه تقسیم نمی شوند که هر کدام خود را تکمیل کنند؛ بلکه سالم می مانند و برخی از آنها هسته سلولی را تشکیل می دهند و نیمه دیگر هم هسته سلولی را تشکیل می دهد. در نتیجه هسته سلولی جدید، مشتمل بر ۲۳ کروموزوم و نه ۲۳ جفت تشکیل می شود و این تقسیم شدگی را تقسیم میوز می نامند؛ یعنی هسته سلول جنسی نیمی از خزانه ژنتیکی را در خود دارد. اینها که گفته شد در شیوه تکثیر زناشویی است، اما اگر تکثیر از راه غیر زناشویی باشد، ژن های مریض حاصل از جهش بر حال خود باقی می مانند و چیزی از آن کم نمی شود. پس اگر در طی چند نسل کپی های متعدد ساخته شود، ژن های بیمار با بروز جهش های جدید، متراکم می شوند؛ تا این که جنین ها به نقص عضو و بدقوارگی یا مرگ دچار می شوند. آیا همین امر برای ممنوع کردن شبیه سازی به طور اساسی کفایت می کند؟ یا این که تنها شبیه سازی برگرفته از اصل قانونی شود و اجازه شبیه سازی از روی نسخه شبیه سازی شده (شبیه سازی عمومی) داده نشود؟

پاسخ: شبیه سازی ای که به اختلال در نظام نینجامد و ما به جواز اصولی آن حکم کرده ایم، مقید به شرط عدم اشتغال بر ضرری است که ممکن است دامنگیر جنین ها شود. بنابراین هر درجه از شبیه سازی که برای جنین زیان داشته باشد، حرام است؛ زیرا حتی ضرر رساندن به جنین هم مشمول حدیث شریف نبوی (لاضرر ولا ضرار فی الاسلام) می شود.

۱۸. از شبیه سازی برای تولید ماده لازم برای نقل عضو یا بافت عضوی استفاده می شود. این شبیه سازی در چند مرحله انجام می شود:

الف) گرفتن سلول از کبد یا ریه یا معده و... و کشت آن؛ تا این که به صدها سلول از کبد یا ریه و یا معده تقسیم می شود؛

ب) تولید جنین هایی برای تولید اعضا؛

ج) تولید انسان هایی عادی برای این که منبع تأمین ذخیره قطع اعضا باشند.

پاسخ: از نظرگاه دینی، عملیات اولی جایز است؛ یعنی گرفتن سلول و کشت آن، پس از گرفتن سلول و یا پس از مدتی قرار گرفته شدن در حالت انجماد.

اما عملیات سومی، شرعاً حرام است؛ زیرا فرد شبیه سازی شده، همانند دیگران از تمامی حقوق برخوردار است و نباید به عنوان ذخیره قطع عضو دیگران مورد استفاده قرار گیرد؛ هرچند انگیزه ایجاد آن، ترمیم قطع اعضای دیگران باشد؛ حتی خود او هم مجاز نیست اعضایی از خود را که نمی تواند بدون آنها زندگی اش را ادامه دهد، به دیگران ببخشد؛ چنان که قرآن کریم در سوره بقره، آیه ۱۹۵ این حکم را به تصریح بیان کرده است:

(ولا تلقوا بایديکم الی التهلکة)؛

و با دست های خود خودتان را به هلاکت میفکنید.

همچنین است عملیات دوم؛ زیرا شارع، تعدی به جنین را حتی در شکل نطفه حرام کرده است؛ زیرا نطفه مبدأ تکوین انسان است و اسقاط مبدأ تکوین انسان، جایز نیست.

۱۹. هرگاه نسخه ای مشابه اصل از سلول یک مرد و تخمک هسته زدایی شده همسرش تولید شود، اگر این زن، همان گونه که گذشت، مادر او باشد و او پدر نداشته باشد، سؤال این است که آن نسخه شبیه سازی شده با آن مرد چه نسبتی خواهد داشت؟ آیا آن نسخه، دختر خوانده آن مرد است و تحت شمول این آیه :

(و ربائبکم اللاتی فی حجورکم من نسائکم اللاتی دخلتم بهن)؛

و دخترخواندگان شما که در منازل شما هستند و از زنان شما که با آنان نزدیکی کرده اید؟

پاسخ: ۱. می توان به اطلاق عنوان (دخترخوانده) برای مورد یاد شده، تمسک کرد؛ زیرا چه آن دختر خوانده از منی مرد دیگری باشد و یا از منی مرد دیگری نباشد، آن فرزند خوانده در خانه و کاشانه آن مرد پرورش می یابد و به هر حال فرزند همسر او است. بنابراین در صورتی که با همسرش نزدیکی کرده باشد، آن دختر به او محرم خواهد بود.

ولی چه بسا بر تمسک به اطلاق عنوان ربیبه اشکال شود؛ زیرا گفته می شود که معنای ربیبه در میان عرب شناخته شده نیست؛^۷ زیرا ممکن است معنای آن، دختر زنی باشد که در منزل شوهر او پرورش می یابد و شاید به معنای دختر همسر از شوهری دیگر باشد که در منزل شوهر جدیدش پرورش می یابد. بنابراین تمسک به اطلاق، برای اثبات گستردگی معنا امکان ندارد.

اما این اشکال مبنی بر آن است که جمله (اللاتی فی حجورکم من نسائکم اللاتی دخلتم بهن)، قید ربائب باشد و ما وجود قید دیگری را که قید (از منی مردی دیگر) است، محتمل می دانیم.

اما با این حال تمسک به اطلاق عنوان (ربائب) در موضوع مورد بحث، درست است. این از آن رو است که جمله (اللاتی فی حجورکم من نسائکم اللاتی دخلتم بهن)، قید (ربائب) نیست؛ بلکه تفسیر آن است؛ چرا که ما بیش از یک گونه دخترخوانده نداریم تا جمله، قید باشد. آن یک گونه هم دخترخوانده ای است که در خانه شوهر مادر خود پرورش می یابد. بنابراین اطلاق معنای ربیبه و اشتغال بر مورد موضوع بحث اثبات می گردد.

۲. می توان به ایده تنقیح مناط و مناسبت های حکم و موضوع برای اثبات محرمیت میان مرد و این دختر که از هسته سلول (زوج یا زوجه) و تخمک هسته زدایی شده زن تکوین یافته باشد، تمسک جست؛ به این ترتیب که گفته شود:

نکته محرمیت دخترخوانده در نظر عرف این است که او دختر آن زن است و از او تولد یافته است و در منزل شوهر او بزرگ شده است و نکته اش در این نیست که از منی مرد دیگری تولد یافته باشد. به این ترتیب، به محرمیت میان نسخه شبیه سازی شده با شوهر مادرش حکم می توان کرد.

۲۰. آیا شبیه سازی به صورت مطلق جایز است؟

پاسخ: من معتقدم بزرگ نمایی شبیه سازی انسانی، مبتنی بر این انگاره است که نسخه های متعدد مانند نسخه های یک کتاب صد در صد مشابه باشند. اما برخی دانشمندان به عدم وجود تشابه تام میان نسخه ها به سبب وجود شماری اندک از ژن ها (صفات وراثتی) در سیتوپلاسم نطفه آینده توجه داده اند. آیا این اندازه برای عدم تحریم شبیه سازی کفایت نمی کند؟ چرا که دلیل حرمت آن، پدید آوردن اختلال در نظام و نظم موجود مبتنی بر تمایز و اختلاف رنگ ها بوده است و در صورت وجود اختلاف و تمایز، هرچند اندک، دیگر نظام و نظم موجود به هم نمی خورد.